فارابی و فلسفه او

مدرسی چهاردهی، مرتضی

گویند در اثر شهرت علمی فارابی بسیاری از دانشمندان سنجش مابین‏ ارسطو و فارابی نمودند،در تردید بودند که آیا ابو نصر در مقام فلسفه بالاتر است‏ یا ارسطو؟!

ناچار این سؤال را از خود حکیم کردند،فارابی از راه انصاف و مروت و آزادگی که شعار زندگی وی بود گفت:

در علو مقام و منزلت ارسطا طالیس همین اندازه کافی است که واضع علم‏ منطق و کامل کنندهء اوست،مقام و منزلتش بجایی رسید که اندیشه و عقل بشری‏ در آن حیران است.

هوشمندان در گرو اندیشه این حکیم بزرگ می‏باشند،هرچه را که او تصنیف و تألیف نمود همه از تراوش اندیشه تابناک اوست،تاکنون کمتر حکیمی‏ توانست خرده بر آن وارد سازد یا انتقادی از آراء وی کند.همه متأخران در زیر نفوذ آراء و عقاید اویند.

اگر من در آن عصر بودم یکی از بزرگترین شاگردانش بشمار میرفتم.

استادان فارابی

حکیم ابو نصر استادانی داشت،از خرمن حکمت و معرفت هر یک از حکما خوشه‏ای چید.

در نزد ابی بکر سراج علم نحو آموخت و گویند ابی سراج نزد فارابی‏ علم منطق را آموخت.

ابو نصر مانند بسیاری از فلاسفه قرون وسطی دانش پزشکی را بیاموخت‏ ولی علم طب را به کار نه‏بست.

توجه مخصوص فارابی به کتب ارسطو

گویند فضلا دیدند که بر پشت کتاب نفیس ارسطو بخط فارابی نوشته شده بود که«این کتاب را صد مرتبه خوانده‏ام».

از وی حکایت کنند که می‏گفت:

کتاب سماع طبیعی ارسطو را چهل مرتبه خوانده‏ام و باز نیاز به مطالعه‏ دیگر دارم.

فارابی ارسطو را در خواب دید

گویند که معلم دوم در رساله«تلویحات»خود نقل کرده است که شبی‏ ارسطو را در خواب دیدم که از افلاطون تعریف می‏کرد.

پرسیدم که آیا هیچ‏یک از حکیمان به مرتبه افلاطون رسیده‏اند؟!

گفت:نه بلکه بجز وی از هزار جزء مرتبه او هم!

گروهی از فلاسفه را بشمار آوردم،وی متوجه نشد 7 چون سلطان‏ با یزید و سهل تستری و مانند آنان را نام بردم،خرم شد و گفت:

ایشان از حکمای برحق‏اند،از دانش‏های رسمی گذشته و بدانش حضوری‏ پیوسته‏اند و گروه‏شان از آنجا است که گروه ما است‏1

نشر فلسفه ارسطو بقلم فارابی

ابن خلکان در کتاب نفیس وفیات الاعیان گوید:در اثر انتشار کتابهای‏ فارابی بود که فلسفه ارسطو در جامعه مسلمانان انتشار یافت و فلسفه افلاطون و سایر حکیمان یونان تحت‏الشعاع قرار گرفت‏2

فارابی از نظر ابن سینا

استاد آقا ضیاء الدین دری مترجم کتاب کنز الحکمة نوشته است که:از شیخ الرئیس ابن سینا نقل می‏کنند که می‏فرماید کتابی بنام«انصاف»نوشته و حکماء را بر دو قسمت کردم.

1-فلاسفه شرق 2-فلاسفه مغرب.میان این دو گروه به بحث و انتقاد پرداختم،پس از آن خودم در میان آراء و اندیشه‏ها داوری کردم،این کتاب‏ بیست‏هزار مسئله فلسفی را در بردارد،ابن سینا در این کتاب پس از ستایش‏ از گروهی از فلاسفه می‏فرماید:اما معلم دوم شهسوار نیدان حکمت و استاد هنرمند در انواع فلسفه بود اعتقاد من در حق او بیشتر از سایر حکیمان است، (1)-کتاب بحیره تألیف فزونی استرآبادی چاپ ایران.

(2)-چاپ مصر.

بلکه او را نمی‏توان با هیچ‏یک از فلاسفه سنجید برای آنکه مقام من بالاتر از پیشینیان است.

آثار ارسطو:نگارندهء این سطور گوید:دریغا که آثار ارسطو کمتر به زبان فارسی منتشر شده است.

شاهکارهای علمی او را ما بزبان‏های دیگر می‏خوانیم و فلاسفه ایرانی‏ بخش مهمی از آنرا در تألیفات فلسفی خود بزبان عبری نقل کرده و به بحث و انتقاد پرداخته‏اند.

اشعار فارسی فارابی:حکیم ابو نصر مانند سایر حکیمان و فلاسفه‏ گاهگاهی چند بیتی از اشعار فلسفی می‏سرود،شعرهای فارسی وی اندک است‏ در بعضی از کتابهای ادبی و فلسفی چند بیتی بنام او ثبت است از جمله این چند بیت است:

رباعی

اسرار وجود جمله بنهفته بماند و آن گوهر بس شریف ناسفته بماند هرکس ز سر قیاس چیزی گفتند وان نکته که اصل بود ناگفته بماند

\*\*\*

ای آنکه شما پیر و جوان دیدارید از رق پوشان این کهن دیوارید طفلی ز شما در بر ما محبوس است‏ او را بخلاص همتی بگمارید

فاراب

در وجه انتساب فارابی جغرافی‏دانان گویند فاراب روستائی در ماوراء النهر سیحون از شهرهای ترکستان بود.

این خلکان در کتاب وفیات الاعیان«چاپ مصر»گوید فاراب را امروز «اطرار»گویند.